

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تحلیل و بررسی بن مایه های اجتماعی غزلیات علیرضا قزوه

۱- دکتر مجید پویان ۲- الهام امیدیان نسب

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات محض، دانشگاه یزد

Email: Pooyanmajid94@gmail.com

Email: omidiannasabelham@gmail.com

چکیده

غزل از دیرباز تا کنون، همواره بهترین قالب برای بیان مکنونات قلبی شاعران بوده و در طول دوران تحول خود، متأثر از تحولات سیاسی و اجتماعی هر عصر، پیوسته بار معنایی و محتوایی خاصی یافته و در بوستان ادب فارسی، بارور شده است؛ بنابراین لزوم تحلیل و بررسی تأثیر این تحولات بر شاعران و انعکاس آن در شعر، محرز است و ما را به نتایج ارزشمندی رهنمون می‌سازد. این پژوهش نیز، در همین راستا به بررسی و تحلیل مهمترین بن‌مایه‌های اجتماعی و میزان خلاقیت شاعر در بیان آن، در غزلیات شاعر نام‌آشنای پس از انقلاب، علیرضا قزوه می‌پردازد.

بررسی غزل‌های این شاعر فرهیخته، نشان می‌دهد که وی شاعری متعهد و انقلابی به شمار می‌رود، دغدغه‌های اجتماعی فراوانی دارد و غزل‌های اجتماعی‌اش در واقع بازتاب و انعکاسی روشن از اندیشه‌های اجتماعی شاعر و معضلاتی است که جامعه‌ی محبوبش با آن سر و کار دارد. در غزل‌های اجتماعی قزوه، بن‌مایه‌های اجتماعی بی‌شماری همچون: آزادی، ستایش شهید و شهادت، اعتراض به فراموشی ارزش‌های اخلاقی، نکوهش نفاق و دورویی، خوداتهامی و ... دیده می‌شود که بیشتر از هر چیزی از اعتقادات دینی و انقلابی شاعر تأثیر پذیرفته‌اند.

کلمات کلیدی: علیرضا افزوده، غزل اجتماعی، بن مایه ی اجتماعی.

۱. مقدمه

قالب غزل به دلیل لطافت و ظرفیت منحصر به فردش در پذیرش موضوعات و مضامین متنوع بیش از هر قالب دیگری مورد توجه شاعران پس از انقلاب قرار گرفته است. یکی از مهمترین دلایل چنین رویکردی به قالب غزل «صرف نظر از زیبایی صوری آن که در وزن و ردیف و قافیه و صنایع جذاب لفظی و معنوی ریشه داشت، نوعی مبارزه‌جویی برای رسیدن به زبانی مردمی و در عین حال شاعرانه بود،» (یاحقی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۳). علیرضا قزوه از غزلسرایان نام‌آشنای نسل انقلاب و دفاع مقدس، یکی از شاعرانی است که از این قالب زیبا برای بیان دغدغه‌های اجتماعی‌اش بهره‌ی فراوانی برده است. او شاعری مردمی و دلسوز است و اهمیت غزل‌های اجتماعی‌اش،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گذشته از برجستگی و شهرت شاعر، به دلیل تعهدی است که نسبت به آرمان‌های دینی و اعتقادی خود دارد. در شعر او علاوه بر اشعار آیینی، مفاهیم اجتماعی نیز به طور گسترده منعکس شده است. انتقاد و اعتراض اجتماعی و ابراز جسورانه آن از ویژگی‌های خاص اشعار اوست.

نخستین اشعار اعتراضی او در مجموعه شعر «از نخلستان تا خیابان» در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. «نگاه معترضانة قزوه در چند دفتر دیگر نیز امتداد یافت؛ اما به اندازه مجموعه «از نخلستان تا خیابان» دربردارنده محتوای اعتراض و خوداتهامی نبود». (تقی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۰). قزوه، گاه به طور کلی از فراموشی ارزش‌ها و آرمان‌های دفاع مقدس انتقاد می‌کند و گاه با نگاهی موشکافانه تر به اعتراض بر می‌خیزد و ریاکاری، تجمل‌گرایی و دیگر کردار ناپسند مردم عادی تا سیاستمداران سودجو را به حیطة نقد می‌کشد. بر همین اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد تا پس از بیان توضیحاتی کوتاه در خصوص غزل اجتماعی و بن‌مایه‌های اجتماعی، دریابد که چه بن‌مایه‌های اجتماعی خاصی در غزلیات علیرضا قزوه به کار رفته است و مهمترین آن‌ها کدامند؟

پژوهش حاضر از میان آثار علیرضا قزوه، به تحلیل و بررسی چهار اثر علیرضا قزوه با عنوان‌های: (از نخلستان تا خیابان)، (شبلی و آتش)، (عشق، علیه السلام) و (چمدان‌های قدیمی) می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص پژوهش حاضر، آثار چندی به نگارش درآمده است. از جمله مقاله‌ی «شعر جاده یا منزل؟ (نگاهی به دو مجموعه شعر از نخلستان تا خیابان و شبلی و آتش سروده علی رضا قزوه)» از سعید یوسف‌نیا، مقاله‌ی «بررسی جریان اعتراض در شعر و سینمای دفاع مقدس با تکیه بر آثار علی رضا قزوه و ابراهیم حاتمی کیا» از ساجده‌ی تقی‌زاده، «بازتاب بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در اشعار محمود درویش و علیرضا قزوه» از امید وحدانی فر.

۳. غزل اجتماعی

غزلی که محتوای اجتماعی داشته باشد و شاعر اندیشه‌های جامعه‌گرا و معترضانه اش را در آن بیان کند، غزل اجتماعی نامیده می‌شود. «غزل اجتماعی اگر چه گونه ادبی تازه ای نیست و می‌توان بخش قابل توجهی از آن را در پاره ای از آثار شاعران گذشته ادبیات فارسی مشاهده کرد؛ اما بی تردید باید نقطه ظهور و تکامل نسبی آن را در دوره معاصر از عهد مشروطه به بعد دانست. «(مظفری ساوجی، ۱۳۸۸، ص ۳۳) این نوع غزل در عصر مشروطه متأثر از روند شتابنده انقلاب و شعارهای انقلابیون، خام و شعارگونه بود؛ اما به تدریج، با تلاش شاعران و گذشت چند دهه از انقلاب مشروطه، به ویژه در سال‌های دهه سی و چهل، به انسجام و پختگی رسید و تا انقلاب به روند رو به رشد خود ادامه داد. پس از انقلاب نیز به واسطه تحولات فراوان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بیش از گذشته متحول شد و رو به ترقی و شکوفایی نهاد. سیر صعودی تحول غزل اجتماعی تا به امروز نیز همچنان ادامه داشته است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴. بن مایه

بن مایه یا موتیف «در ادبیات عبارت است از درونمایه، تصویرخیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا و رنگ یا کلمه و عبارتی است که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار می‌شود، تکرار بن مایه در اثر واحد، آن را در جهت هماهنگی و یکپارچگی پیش می‌برد و تأثیری را که متضمن آن تکرار است، تقویت می‌کند.» (علیقلی زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۷۶) بر همین اساس بن مایه اجتماعی نیز به تصاویر تکرار شونده غزل، که درونمایه ای اجتماعی داشته باشد، اطلاق می‌شود.

۵. علیرضا قزوه

علیرضا قزوه یکم بهمن ماه سال ۱۳۴۲ در گرمسار به دنیا آمد. «دوران کودکی و تحصیلات خود را در همان جا گذراند. در سال ۱۳۶۱ دیپلم تجربی گرفت و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی شد. وی علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، دارای تحصیلات حوزوی تا پایه پنجم سطح است. قزوه اولین شعر خود را در سال ۱۳۶۰ سرود و در سال ۱۳۶۳ همکاری اش را با مجله امید انقلاب آغاز کرد. شعرهای وی تاکنون به صورت پراکنده در بیشتر روزنامه‌ها و مجلات کثیرالانتشار و مجموعه شعرهای گردآوری شده، انتشار یافته است. «(مهرداد، ۱۳۹۱، ص ۷۰) وی شاعری انقلابی، جسور، متعهد و معترض است و زبان انتقادی و برنده اشعارش به ویژه در غزلیاتش کاملاً مشهود است. «کثرت اشعار اعتراضی وی و همین اندازه که او جزء سابقون شعر دفاع مقدس محسوب می‌شود و از آغاز این راه با جریان اعتراض مطرح شد، کافی است که ما وی را معترض‌ترین شاعر دفاع مقدس هم در دوران جنگ و هم بعد از جنگ، بدانیم.» (تقی زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۱) قزوه اعتراض‌های اجتماعی خود را هم در قالب‌های کلاسیک منعکس کرده است و هم در قالب شعر نو، «با این تفاوت که بیان وی در آثار کلاسیک، دردآلود و گلایه‌مند است؛ اما در اشعار نو با مایه‌هایی از طنز همراه شده است.» (همان، ص ۴۰). در آثار او و از جمله در غزل‌هایش تأثیر دین و مذهب شاعر و روحیه انقلابی‌اش به وضوح مشهود است. از آثار اوست: مولا ویلا نداشت، از نخلستان تا خیابان، شبلی و آتش، پرستو در قاف، قطار اندیمشک و ترانه‌های جنگ، عشق علیه‌السلام، چمدان‌های قدیمی و ...

در ادامه مهمترین بن‌مایه‌های غزل‌های اجتماعی علی رضا قزوه را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهیم:

آزادی

آزادی در نظر قزوه پرتوی از حق و عدالت است و آنچه به موجب آن انسان‌ها به ویژه مردم فرودست، به آرامش برسند، چنین دیدگاهی در خصوص آزادی، بیش از هر چیزی ریشه در نوع دوستی، حقیقت‌جویی و جسارت شاعر دارد. او انتقاد و اعتراض اجتماعی را حق تمام مردم جامعه به ویژه مردم ناتوان و تهیدست می‌داند و عقیده دارد حق انتقاد از وضعیت جامعه که از جلوه‌های بارز آزادی بیان و نمودهای مهم آزادی است، نباید از کسی سلب شود:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حرف های ما به گوش آسمان نمی‌رسد؟
حق مردمی که دستشان به نان نمی‌رسد
(شبلی و آتش، صص ۳۳-۳۴)

گفت ای خدای مهربان به من بگو
گفتم آری، آری، اعتراض و عشق حق ماست

شاعر در بیت زیر از «چاه» به عنوان مانعی که بر سر راه آزادی قرار گرفته یاد می‌کند و با جسارتی که از ملزومات همیشگی شعر و غزل اوست، اذعان می‌کند که با تمام سختی‌ها و موانع باز هم به هدف خود در راه رسیدن به آزادی ادامه خواهد داد:

از چارسو راه مرا بستند، از چارسو چاه است و گمراه
با این همه در بارش خنجر، یک صبح راهی می شوم، راهی
(شبلی و آتش، صص ۴۲-۴۳)

شاعر حرف‌های زیادی برای گفتن دارد؛ اما به دلیل شرایط جامعه، به استیصال و درماندگی دچار شده و توانایی ابراز آن را ندارد:

کجا روم؟ چه کنم؟ چاره از کجا یابم؟
هزار سینه سخن مانده است و رخصت نیست
(چمدان‌های قدیمی، صص ۵۰-۵۲)

اعتراض به فراموشی ارزش‌ها

قزوه که خود از جمله کسانی است که «فضای غیر عادی و متفاوت جبهه و جنگ را تجربه کرده و از نزدیک با مسائل رزمندگان و سلحشوری‌ها و مقام ایشان آشنا بود ... طبیعی است که از بین رفتن یاد و خاطره شهدا» (نیک روز، ۱۳۹۱، صص ۶۵۴) را برنتابد و از نخستین شاعرانی باشد که به تغییر نظام ارزشی و پشت پا زدن جامعه به ارزش‌های والای دفاع مقدس اعتراض کند و در تمامی مجموعه‌های شعرش نسبت به فراموشی ارزش‌ها هشدار دهد. «او تصور می‌کند باید به عنوان وجدان جامعه، غفلت‌ها و کج روی‌ها را گوشزد ... و با شمشیر واژگان این وجدان خفته را بیدار کند.» (ضیائی، ۱۳۸۹، صص ۱۶۴)

از سنگ‌های بیابان، خاموش بودن عجب نیست
از نخلستان تا خیابان، این گونه ماندن عجیب است
(از نخلستان تا خیابان، صص ۱۲)

قزوه فضای پس از جنگ و اعمال ریاکارانه و سودجویانه برخی از افراد را نمی‌پسندد، از این رو «بهتر می‌داند به یاد شهیدان و به یاد روزهای طلایی شهادت، گوشه ای بنشیند و شعری بخواند.» (علائی، ۱۳۸۷، صص ۲۷۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آه ای دل بی نصیبم! ای بوی گل‌های سیبم هر چند دیر است، بنشین! یک شعر دیگر بخوانم

پاییز بود و شبنم سرد، این سینه پر بود از درد
گفتیم شعری به یاد گل‌های پرپر بخوانیم

(شبلی و آتش، ص ۲۷-۲۶)

او از اینکه می‌بیند یاد و خاطر شهدایی که از آن‌ها به «دسته گل» تعبیر می‌کند، به سادگی به دست فراموشی سپرده شده است، افسوس می‌خورد؛ اما در این میان سوءاستفاده برخی از شیادصفتان از نام و یاد شهدا برای رسیدن به اهداف پست مادی و مشاهده غربت شهدا بیش از هر چیزی شاعر را آزرده خاطر می‌کند:

دسته گل‌ها دسته دسته می‌روند از یادها
گریه کن ای آسمان، در مرگ طوفان زاده‌ها
سخت گمنامید؛ اما ای شقایق سیرتان
کیسه می‌دوزند با نام شما، شیادها

با شما هستم که فردا کاسه سرهایتان
خشت می‌گردد برای عافیت آباده‌ها
غیر تکراری غریبی، هان! چه معنا می‌کنید؟
غربت خورشید را در آخرین خرداده‌ها؟

(از نخلستان تا خیابان، ص ۲۲)

قزوه، زمانی که سکوت جامعه را در برابر فراموشی نام و یاد شهدا مشاهده می‌کند دلشکسته تر و حسرت زده تر از همیشه می‌شود:

آه! دنیا باز در مرگ شقایق صبر کرد
آه! لعنت بر زبان بسته ناقوس‌ها

(همان، ص ۲۴)

او از تغییر معیارها و از زمانه ای که در آن غیرتمندان و دست اندرکارانش بی تفاوت خود را به خواب زده اند سخن می‌گوید؛ آنان که روزی برای بیداری و هوشیاری مردم می‌کوشیدند، اکنون تنها به فکر خواب کردن و فریب دادن مردم هستند:

خروس‌ها همه چون مرغ کرچ خوابیدند
حکیمکان زمان اند قرص خواب فروش

(چمدان‌های قدیمی، صص ۴۷-۴۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ستایش و شهادت

ستایش نام و یاد شهدای دفاع مقدس، بیش از هر موضوع دیگری دستمایه اشعار قزوه به ویژه غزل‌های او قرار گرفته است. او که خود از زمره شاعران جبهه و جنگ به شمار می‌رود، محبت و ارادت خالصانه‌ای به شهدا و مقام شامخ شهیدان دارد و این امر به وضوح در شعر و غزلش دیده می‌شود.

شاعر «آنجا که از شهیدان سخن می‌گوید و در حقیقت با آن‌ها درد دل می‌کند، گاه با استفاده از اوزان جدید و مضامین مناسب، خالق ابیات زیبایی می‌شود. در غزل «دریا» که برای شهید کوهیما و همه آن‌ها که با ارون‌رود به دریا پیوستند، سروده شده است به وضوح شاهد نکته‌های مذکور هستیم.» (خومحمدی خیرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵) در این غزل که تلفیق زیبایی از عشق و حماسه است، واژه‌هایی چون دریا، طوفان، موج و باد نمادی برای شور و صلابت و استواری شهیدان قرار گرفته و روحی حماسی به غزل بخشیده اند:

رفتگی و بار دگر شد، شعرت ترانه دریا
عزمت صلابت طوفان، خشم‌ت نشانه دریا
تا موج یاد توفاتاد، چون من قرار ز کف داد
شد چاک، پیرهن باد، لرزید شانه دریا
(از نخلستان تا خیابان، ص ۱۰)

از نظر او، شهدا امامزادگانی هستند که ماه و خورشید نیز بر ضریح متبرکشان دخیل امید بسته‌اند:

تو آن امامزاده‌ای که ماه و خورشید
دخیل بر ضریح دیده تو بسته است
(همان، ص ۱۱)

قزوه در «غزل خاطرات» که از زیباترین غزل‌های اوست، با ارادتی خالصانه شهدا را عباس‌های تشنه لبی می‌نامد که بعد از شهادت مشک‌های صداقت‌شان بر زمین مانده است. او در این غزل «آنقدر صمیمانه و بی تکلف با لحظه‌های فراق و دوری از باران سفر کرده اش حرف می‌زند که به راحتی با خواننده، رابطه‌ای حسی برقرار می‌کند.» (یوسف نیا، ۱۳۷۳، ص ۳۱)

در کوله بار غربتم یک دل از روزهای واپسین مانده‌ست
عباس‌های تشنه لب رفتند، مشک صداقت بر زمین مانده‌ست...
مثل نسیم صبح نخلستان، سرشار از زخم و سکوت و صبر
رفتید اما در دل هر چاه، یک سینه آواز حزین مانده‌ست
«رفتیم اگر نامهربان بودیم»- رفتند اما مهربان بودند-
رفتیم اگر بارگران، آری، بار گرانی بر زمین مانده‌ست

(شبلی و آتش، ص ۱۱-۱۰)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خودآتهامی

به طور کلی خودآتهامی در اشعار قزوه و به ویژه در مجموعه شعر «از نخلستان تا خیابان» نمود زیادی دارد. شاعر با نهایت شرمساری وضعیت کنونی خود را زیر سؤال برده و به مقایسه خود با شهدا می‌پردازد. به عقیده او شهدا تکسوارانی راهوار بودند که سبک بال و آسوده به سوی حق شتافتند و او چون طفلی نی سوار بی خبر از همه جا همچنان به بازی مشغول است:

چه تنها مانده امشب در مسیر سوگواری‌ها	دل پر درد من با کوله بار شرمساری‌ها
هالا! ای ناله‌های آشنا، بی پرده می‌گویم	شما را درد غربت کشت، ما را داغداری‌ها
از این میدان، خدایا تکسواران رها رفتند	چه خواهد کرد طفل همتم با نی‌سواری‌ها

(از نخلستان تا خیابان، ص ۱۸)

با گذشت زمان و سپری شدن ایام جبهه و جنگ، او گاه لبه تیغه تیز انتقاد را با شدت بیشتری به سوی خود نشانه می‌رود و بیش از همیشه به سرزنش خود می‌پردازد:

سالی گذشت و باغ دلم برگ و بر نداشت	من ماندم و شبی، که هوای سحر نداشت
زین داغ، سنگ سوخت ولی من نسوختم	چشمان من شراره غیرت مگر نداشت؟
می‌خواستم دل، این دل مجروح، بشکند	تا صبحدم گریستم اما اثر نداشت

(همان، ص ۲۱)

قزوه برای نشان دادن عمق اندوه و حسرت خویش از وزن‌هایی با ریتم آرام و سنگین استفاده می‌کند و واماندگی خود را از قافله شهدا با لحنی غمگانه چنین می‌سراید:

در این بهار شکوفایی، کسی به فکر شکفتن نیست	دل من است که وامانده‌ست دل من است که از من نیست
شکسته بال‌ترینم من، شکسته، خسته، همینم من	همین که هیچ در او شوقی، به پر کشیدن و رفتن نیست

(از نخلستان تا خیابان، ص ۱۷)

وی با آشفته‌گی از خود می‌پرسد آیا اکنون که با گام‌هایی لنگ و دلی زنگار گرفته، از کاروان شهدا جا مانده محکوم به زوال است؟

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با توام ای آینه! انگار گوش ندادی به سوالم
در دل من پر شده زنگار، آیا محکوم به زوالم؟
رهسپرم با قدمی لنگ، همسفرم همسفر سنگ
خسته و آشفته و دلتنگ، این من و این کولی حالم
شبلی و آتش، ص ۱۵-۱۴)

البته شاعر تنها به سرزنش خویش نمی‌پردازد، بلکه در حقیقت با نسبت دادن این شرمساری‌ها به خود، تکانه و تلنگری هم بر جامعه وارد کرده و واگویی‌های سرزنش‌آمیز و دردمند خود را غیر مستقیم به دیگر افراد جامعه نیز تعمیم می‌دهد. به عبارت دیگر او به در(خود) می‌زند، که دیوار(جامعه) بشنود:

با آنکه آبدیده دریای طاقتیم
آتش گرفته‌ایم که غرق خجالتیم....
ما بی تو چپستیم؟ چه می‌دانم ای عزیز!
ما هیچ نیستیم سراپا حقارتیم
(از نخلستان تا خیابان، ص ۱۹)

انتقاد از بی عدالتی و نابرابری

عدالت اجتماعی مهمترین دغدغه و هدفی است که شاعران معترضی چون علی رضا قزوه در اشعار خود به دنبال آن هستند. عدالت در نظر قزوه بهشت گمشده ای است که می‌تواند دل‌های شکسته را سامان ببخشد:

وقتی دل شکسته نیستان غربت است
تنها بهشت گمشده ما عدالت است
(همان، ص ۲۰)

شاعر در بیت زیر به مرگ عدالت خواهی در جامعه اشاره می‌کند و می‌گوید دیگر هیچ کس همچون گذشته، برای برپایی حق و عدالت پیشقدم نخواهد شد. «مختار» در مصرع اول این بیت، نماد خونخواهی و «حسین(ع)» نماد عدالت طلبی است:
شمشیرها سُر خورده اند اینجا، مختار مردان مرده اند اینجا در ما حسین عشق را کشتند، کس نیست برخیزد به خون خواهی
(شبلی و آتش، صص ۴۲-۴۱)

«حسنک» در بیت زیر نماد انسان‌های شایسته و مظلومی است که از سر بی عدالتی و به ناحق کنار گذاشته شده و یا همواره در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یک چند بگریانم بگذار قلم را
(چمدان‌های قدیمی، صص ۹۹-۱۰۰)

خون شد دلم از غصه مرگ حسنگ‌ها

نگویش نفاق و دورویی

یکی از مهمترین اعتراض‌های قزوه متوجه فضای ریاکارانه جامعه است. او که خود از نسل شعرای صادق و صمیمی دفاع مقدس بوده و با صداقت و صمیمیت اهالی آن خو گرفته است، نمی‌تواند بودن در چنین فضای خفت باری را تحمل کند؛ بنابراین همچون گذشته با سلاح قلمش به انتقاد و اعتراض از وضع موجود می‌پردازد:

شاعر از روزهایی که صداقت در آن جای خود را به نفاق و دورویی داده است، دردمند و خونین دل است:

چقدر بی تو در این روزها صداقت نیست
(چمدان‌های قدیمی، صص ۵۰-۵۲)

چقدر بی تو در این شام‌ها دلم خون شد

در بیت زیر، «طاووس‌ها» نماد کسانی هستند که صداقت ندارند:

خود را می‌نمایانند، این طاووس‌ها
(از نخلستان تا خیابان، صص ۲۴)

کو قلمدان صداقت، کو مرکبدان درد؟

قزوه معتقد است در جامعه امروز، چهره آینه‌صفتان و صداقت‌پیشگان در سایه خودنمایی دغل‌بازان ریاکار، مخفی مانده است؛ بنابراین باید از نیرنگ چنین منافقانی پرده برداشت و چهره حقیقی آن‌ها را بر همگان آشکار کرد:

پرده بردارید از خوش رقصی سالوس‌ها
(همان، صص ۲۴)

چهره آینه‌هامان سخت پنهان مانده است

از دیدگاه شاعر، «نقاب فروش» در بیت زیر، نماد ریاکاری برخی از مردم جامعه است. وی جامعه را کاروانسرای می‌داند که بسیاری از اهالی اش با نقابی بر چهره در آن ظاهر شده و به این وسیله، باطن پلید خود را پنهان می‌کنند. در این زمانه که همه چیز به طرز عجیبی تغییر یافته است، حتی مدعیان دین برخلاف اعتقادات خود عمل می‌کنند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

زمانه ای است که حلاج شد طناب فروش

تمام تیمچه‌ها پر شد از نقاب فروش

(چمدان‌های قدیمی، صص ۴۹-۴۷)

انتقاد از بی تفاوتی و بی محبتی مردم

یکی از مهمترین اعتراض‌های قزوه متوجه فضای ریاکارانه جامعه است. او که خود از نسل شعرای صادق و صمیمی دفاع مقدس بوده و با صداقت و صمیمیت اهالی آن خو گرفته است، نمی‌تواند بودن در چنین فضای خفت باری را تحمل کند؛ بنابراین همچون گذشته با سلاح قلمش به انتقاد و اعتراض از وضع موجود می‌پردازد:

میان سایه و دیوار هیچ الفت نیست

همه به سایه هم تیر می‌زنند اینجا

(چمدان‌های قدیمی، صص ۵۲-۵۰)

شاعر از خود می‌پرسد چه حادثه‌ای موجب شده است که انسان‌ها یکدیگر را به فراموشی بسپارند و چراغ احساس و عاطفه در گردباد فراموشی‌ها خاموش شود؟

میان کوچه دل‌هامان چراغ عاطفه روشن نیست

چه شد که در شب خاموشی ز گردباد فراموشی

(از نخلستان تا خیابان، ص ۱۷)

انتقاد از زندگی تجملاتی و مرفهان بی درد

از گذشته تا به حال همواره کسانی بوده اند که تنها به خود و منافع خود اندیشیده و هرگز در غم مردم جامعه شریک نبوده و با آن‌ها همدلی و مساعدت نکرده اند. این افراد به ویژه پس از انقلاب و جنگ پیوسته مورد اعتراض و انتقاد شاعران انقلاب قرار گرفته اند. این مضمون در شعر قزوه نیز نمودی فراوان دارد و او بارها چنین کسانی را در شعر خود نکوهش کرده است.

«زرددلان» در بیت زیر نماد افراد متمولی است که بی توجه به درد مردم، تنها به منافع خود می‌اندیشند:

یک سوی چهره‌ها همه سرخ از خجالت است

یک سوی کاخ زرددلان سبز می‌شود

(همان، ص ۲۰)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قزوه در بیت زیر با مردم همدردی می‌کند و همانند آن‌ها از بی تفاوتی انسان‌های مرفه و بی‌دردی، که از سر بی‌توجهی، از حال و روز مردم محروم بی‌اطلاعت گلابیه می‌کند:

باشمایم که زور و زر دارید، هیچ از درد ما خبر دارید؟

درد ما را نمی‌توان گفتن، با سیاست مدار بازاری

(چمدان‌های قدیمی، صص ۳۳-۳۴)

شاعر همصدا با مردم محروم جامعه که همواره بیشترین فشار بحران‌های اجتماعی و سیاسی را بر دوش می‌کشند، فریاد می‌زند چرا افرادی که توانایی کمک و مساعدات به دیگران را دارند، از این کار دریغ کرده و تمام چیزهای خوب را تنها برای خود می‌خواهند؟

دست‌های عاشقانه تا دهان نمی‌رسد

داد زد چرا کسی به دامن نمی‌رسد؟

نان و عشق و گل چرا به دیگران نمی‌رسد

داد زد تمام چیزهای خوب از شماست

(شبلی و آتش، صص ۳۳-۳۴)

شکایت از انسان‌های نالایق و سودجو

یکی از وجوه اجتماعی غزلیات قزوه شکایت از انسان‌های نالایق و سودجویی است که نه تنها بویی از عاطفه نبرده، بلکه با نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی، تنها به فکر سودجویی از شرایط فعلی جامعه چه در زمان جنگ و چه پس از آن هستند:

اینجا که خاک پاک شهیدان غربت است

ای قاتلان عاطفه اینجا چه می‌کنید؟

چشمانتان شکاف تنور قیامت است!

وقتی بهشت را به زر سرخ می‌خرید

(از نخلستان تا خیابان، ص ۲۰)

از نظر قزوه گناه چنین کسانی از گناه شراب فروش نیز بیشتر است؛ زیرا گر چه شراب سکرآور است و طبعاً فروختن آن نیز معصیت است؛ ولی گناه افراد سودجو دایره گسترده‌تری دارد و حق الناس محسوب می‌شود؛ بنابراین از گناه شراب فروش سنگین‌تر است:

سلام بر همه الا به انقلاب فروش

سلام بر همه الا به قلب مغلوبان

شرور شهر شماید یا شراب فروش؟

شما که خون دل خلق را پیاله شدید

(چمدان‌های قدیمی، صص ۴۷-۴۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بخشی از انتقادات قزوه نیز متوجه افراد نالایقی است که به ناحق به مناصبی رسیده و علی رغم آن همچنان به کارهای ناشایست خود مشغولند:

حرامیان همه دولت شدند و دولتمند

گناه دولتیان و گناه دولت نیست

(همان، صص ۵۲-۵۰)

شاعر، گاه به کنایه و با زبانی طنزآمیز، افراد سودجویی که در ظاهر بیش از دیگران مدعی دین‌داری و مسلمانی‌اند؛ اما در لباس زهد و تقوا به اعمال ناپسند و غیر شرعی خود می‌پردازند، آخرت جو نامیده است:

آخرت جویان خدایا! بیشتر دنیایی‌اند

آخر از چاه زنخدان، آب زمزم می‌کشند

(همان، صص ۱۰۸-۱۰۷)

قزوه این مدعیان دین‌داری را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: دینی که از آن دم می‌زنید چه دینی است که حتی خود نیز به دستورات آن عمل نمی‌کنید؟

هر چند که در شک شما نیز یقینی است

من مانده ام این دین که شما راست چه دینی است؟

(عشق علیه السلام، صص ۶۶-۶۵)

شاعر در بیت زیر این مسلمان نمایان را که مصداق کامل مَثَل معروف «عالمان بی عمل» اند، به حیطة نقد می‌کشد و معتقد است واعظی که پیوسته دیگران را از اعمال و کردار زشت بر حذر می‌دارد و در مقابل، خود به آنچه می‌گوید عمل نمی‌کند، حرمت‌ها را شکسته و پایمال کرده است و علاوه بر آن باعث شده، دین به بازیچه‌ای در دست بی‌دینان تبدیل شود:

چو واعظ پایبند صحبت خود نیست، جا دارد

من مانده ام این دین که شما راست چه دینی است؟

(عشق علیه السلام، صص ۵۸-۵۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۶. نتیجه‌گیری

نقد و بررسی غزل‌های اجتماعی علیرضا قزوه، ما را به نتایج قابل تأملی رهنمون می‌سازد. این شاعر فرهیخته، اندیشه‌ها و دغدغه‌های اجتماعی بی‌شمار خود را در بسیاری از مواقع در بستری از حریر غزل گسترده است. در حقیقت، غزل‌های اجتماعی او، بازتاب اعتقادات اجتماعی و سیاسی شاعر است و در هر یک، انعکاس ویژه‌ای داشته و به شیوه خاصی نمود یافته است. اشعار او از حسرتی عمیق توأم با نگرانی دلسوزانه‌ای نسبت به وضعیت ناگوار جامعه، سرشار است. در غزلیات قزوه، بن‌مایه‌ها و مضامین اجتماعی خاصی متبلور شده است؛ اما بیشترین بسامد، مربوط به ستایش شهید و شهادت، نکوهش نفاق و دورویی، اعتراض به فراموشی ارزش‌های اخلاقی و انتقاد از تجمل‌گرایی در جامعه است. قزوه، شاعری عدالت‌خواه است و از عدم پای‌بندی و وفاداری برخی از افراد جامعه به آرمان‌های راستین انقلاب و شهدا، بسیار رنج می‌برد و البته در جای جای غزل‌هایش سرسختانه به اعتراض با آن می‌پردازد. در بررسی غزل‌های این شاعر، علی‌رغم نومیدی و رنج‌های جامعه‌گرایانه‌اش به نوعی امیدواری برمی‌خوریم که البته این گونه امیدواری در غزل‌های قزوه از اعتقادات مذهبی شاعر و آرمان‌های انقلابی‌اش، نشأت گرفته است، از همین رو انعکاس اعتقادات دینی، مذهبی و انقلابی وی به غزلیات او رنگی مذهبی بخشیده و جلوه ویژه‌ای داده است. به علاوه اعتراضات و انتقادات قزوه به عنوان شاعری متعهد و همسو با آرمان‌های جامعه خود با شعرای دیگری که در همین زمینه، طبع‌آزمایی کرده‌اند، متفاوت است. لُبّه تیز انتقادات وی بیشتر به طرف کسانی نشانه رفته است که ارزش‌های اخلاقی جامعه، به ویژه ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس را پایمال کرده و به انقلاب و جامعه خیانت کرده‌اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۷. مراجع

- تقی زاده، ساجده، «بررسی جریان اعتراض در شعر و سینمای دفاع مقدس با تکیه بر آثار علی رضا قزوه و ابراهیم حاتمی کیا»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۰، صص ۴۸-۱۳۹۲، ۲۵.
- خومحمدی خیرآبادی، سعید، بر دامن سکوت (سخنی پیرامون پیکار سروده های مینوی)، به اهتمام مجتبی جوادى نیا، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷.
- ضیایی، حسام، «بررسی جامعه شناختی گفتمان های شعری دهه دوم پس از انقلاب اسلامی» (۱۳۷۶-۱۳۶۷ ه.ش)، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۵۳، ۱۳۸۹.
- علائی، سعید، جریان شناسی شعر انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- علیقلی زاده، حسین، «تفاوت موضوع با اصطلاحات همخوشه خود و کاربرد آن در سبک شناسی»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره ۴، پیاپی ۱۴، صص ۲۸۳-۲۶۵، ۱۳۹۰.
- قزوه، علیرضا، از نخلستان تا خیابان، چاپ شانزدهم، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۰.
- _____ چمدان های قدیمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهرستان ادب، تهران، ۱۳۹۱.
- _____ شبلی و آتش، چاپ سوم، تهران، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۳.
- _____ عشق علیه السلام، چاپ چهارم، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۰.
- مظفری ساوجی، مهدی، شهید اما شوکران، انتشارات کتابسرای تندیس، تهران، ۱۳۸۰.
- مهرداد، ندا، ۱۳۹۱، «نگاهی به آرایه های شعر علیرضا قزوه»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۳۱۵-۳۱۴، صص ۷۵-۷۰، دی ۱۳۹۱.
- نیک روز، یوسف، «بررسی واگویه های (شکوائیه) شاعران شعر دفاع مقدس»، مندرج در مجموعه مقالات چهارمین کنگره ادبیات پایداری کرمان، انتشارات گرا، صص ۶۷۴-۶۴۳، ۱۳۹۱.
- یا حقی، محمد جعفر، جو بیار لحظه ها (ادبیات معاصر فارسی نظم و نثر)، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۹۱.
- یوسف نیا، سعید، «شعر جاده یا منزل؟ (نگاهی به دو مجموعه شعر از نخلستان تا خیابان و شبلی و آتش سروده علی رضا قزوه)»، مجله شعر، شماره ۱۲، صص ۳۱-۲۶، ۱۳۷۳.